

موضوع: مصرف، میانه روی

تاریخ پخش: ۶۱/۱/۳۱

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

«الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا و نبينا محمد و على اهل بيته و لعنة الله على اعدائهم اجمعين من الآن الى قيام يوم الدين»

بحثی که این شب جمعه بناست گوش کنید، درباره‌ی مصرف است. مسئله‌ای اجتماعی، اقتصادی، اخلاقی و دارای ابعاد مختلفی است. بخصوص که ما سال‌ها شاه زده بودیم، بعد صدام زده شدیم و حالا هم وقت بازسازی کشور است. به خاطر این مسئله است که باید از برخی از پول خرج کردن‌ها بکاهیم. حالا اگر کسی بخواهد به قرآن گوش دهد، من مقداری از دستوراتی که از وحی و قرآن و روایات اهل بیت (ع) آمده است، برایتان می‌خوانم و امیدوارم این بحث ما درباره‌ی مصرف و مقدار مصرف و هدف مصرف و نوع مصرف، بتواند اثر بیش‌تری در زندگی ما داشته باشد. گرچه خیلی‌ها مصرفشان را تعدیل کرده‌اند.

۱- امت نمونه و امت وسط معتدل است

پس بحث این هفته‌ی ما تحت عنوان درس‌هایی از قرآن مسئله‌ی مصرف است و مسئله‌ای است که همه‌ی کسانی که پای تلویزیون نشسته‌اند، به آن نیاز دارند. کلمه اقتصاد را که می‌گویند، در اصل کلمه اقتصاد از قصد است. قصد به معنای میانه روی است. درباره‌ی مصرف اصولاً قرآن به این امت می‌گوید: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا» (بقره/۱۴۳) دین شما، دین وسطی است. اصولاً اسلام به امت، امت نمونه گفته است و فرموده که شما را امت وسط قرار دادیم. یعنی امتی که توازن دارد و هم در این جهان و هم در آن جهان، هم در مسائل مادی و هم در مسائل معنوی تعادل و توازن دارد. در قرآن گفته است امت وسط و همه‌ی ما مأموریم که در نماز بگوییم: «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» (فاتحه/۶) معنای صراط مستقیم این است که نه افراط و نه تفریط باشد. نه تمایل به بالا و نه به پایین داشته باشد. باید در خط مستقیم باشیم و این اعتدال باید در همه چیز ما باشد. باید در تفریح ما اعتدال باشد، در تحصیل ما اعتدال باشد، در علاقه‌های ما باید اعتدال باشد.

اگر به بچه کم مهربانی کنی، محکوم هستی. حدیث داریم کسی به یکی از بچه‌هایش مهربانی کرد، او را بوسید و دیگری را نبوسید، معصوم (ع) او را سرزنش کرده و فرموده است: چرا به آن دیگری کم مهربانی کردی؟ مهربانی کم باشد، مورد عتاب اسلام است، یعنی اسلام داد می‌زند، چرا به یکی کم مهربانی می‌کنی؟ مهربانی زیاد باشد، پیغمبر داد می‌زند. وای بر پدرهایی که به خاطر زیاد دوست داشتن فرزندان، آن‌ها را لوس تربیت می‌کنند. مهربانی کم و زیاد محکوم است.

۲- میانه‌روی در همه برنامه‌های اسلامی

امت وسط امتی هستند که راه مستقیم را دنبال می‌کنند که نه افراط و نه تفریط است. اگر کم تشویق کنی محکومی و اگر

زیاد تشویق کنی، باز هم محکوم هستی. کسی که نیم کیلو خوبی دارد، اگر به اندازه‌ی یک کیلو تعریف کنی، چاپلوس هستی، اگر به اندازه‌ی نیم مقل از او تعریف کنی، حسود هستی. در تشویق باید میانه روی باشد. مسئله‌ی اقتصاد و میانه روی با هم در ارتباط مستقیم است. یعنی مثل روحی که در همه‌ی بدن هست. مسئله‌ی میانه روی در همه‌ی برنامه‌های اسلام هست. حتی در عبادات هم میانه روی مطرح است. روایات زیادی داریم که وقتی حال عبادت نداری، عبادت را به خودت تحمیل نکن، البته این عدم تحمیل در غیر از واجبات است. «**القصد فی العبادة**» به معنای میانه روی در عبادات است. روایات زیادی داریم «**قلیل یدوم خیر من کثیر ینقطع**» (غررالحکم/ص ۴۸۱) کمی که ادامه دارد، بهتر از کثیری است که دوام نداشته باشد. یعنی اگر آدم کم عبادت کند، ولی عبادت او همیشگی باشد، بهتر از عبادت بسیاری است که قطع شدنی است. مثلاً آدم هر شب جمعه‌ای یک صفحه دعا بخواند، بهتر از این است که یک شب جمعه، شب تا صبح احیا بگیرد و بیست شب جمعه‌ی دیگر هیچ توجهی به خدا نداشته باشد. در مورد دوستی هم همینطور است. مسئله‌ی میانه روی، در همه‌ی ابعاد اسلام مطرح شده است.

اما ان شاءالله در این شب جمعه میانه روی در خوردن و پوشیدن را بشنوید. درباره‌ی مصرف به صورت میانه روی آیه ای داریم که می‌فرماید: «**کُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا**» (اعراف/ ۳۱) بخورید و بیاشامید ولی اسراف نکنید. آیه‌ی دیگری داریم که می‌فرماید: «**لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ**» (انعام/ ۱۴۱) اسراف نکنید که خداوند اسراف کنندگان را دوست ندارد. اگر آن مقدار که در غرب پول صرف نگهداری سگهایشان می‌کنند، و آن مقدار مالی را به تملک سگ‌هایشان در می‌آورند، آن مقداری که پول صرف مسائل دکوری و تشریفاتی و تجملات می‌شود، صرف برطرف شدن مسئله فقر شود، می‌تواند کل مشکل فقر را برطرف کند. خاطرات عجیبی از این برادرانی که ۲۲ بهمن به کشورهای دیگر رفتند، داریم. منتهی نمی‌دانم چه مقداری را می‌توان در تلویزیون گفت.

یکی از دوستان ما از جمع کسانی که به یکی از کشورها رفته بود، قصه‌ای نقل می‌کرد. می‌گفت: چقدر فقر آن جا حاکم است. ما در آفریقا و آسیا چه کشورهایی داریم که در آن کشورها مسئله‌ی فقر غوغا می‌کند. جمعیت و شکم‌های گرسنه از یک سو، آن وقت اسراف هم از سوی دیگر بیداد می‌کند. اسراف یک مسئله‌ی مهم است. اگر به همین دو آیه قرآن عمل شود، بزرگ‌ترین مسائل اجتماعی و اقتصادی دنیا حل می‌شود. البته باید همه عمل کنیم. در بسیاری از خانه‌ها، زیرزمین‌ها یا بالاخانه‌هایی هست که در این زیر زمین‌ها که می‌روی، انواع بخاری‌ها، سماورها، کرسی‌ها، لحاف‌ها، رختخواب‌های اضافه بخصوص در خانه‌های آدم‌های پنجاه سال به بالا وجود دارد، اما بیچاره این‌هایی که تازه عروس و داماد شده‌اند، دو تا پتو و موکت بیش‌تر ندارند. حقوقشان هم به بیش از این نمی‌رسد. این‌هایی که سی، چهل سال از زندگی‌شان می‌گذرد، معمولاً یک انباری پر از جنس اضافه دارند. اگر مقدار مصرف را می‌خواهید بپرسید، باید قبل از کاپنی شدن، از این برادران شهرداری بپرسید که سطل‌های زباله را که خالی می‌کردند، چقدر غذای اسراف شده بوده است؟ مسئله‌ی مصرف را بی ارزش تلقی نکنید، مسئله خیلی مهمی است. حالا من مقداری برایتان آیه و قرآن بخوانم

که شاید این‌ها که وحی است، در شما اثر کند. ولی عیب کار در این است که گاهی مرد دلش می‌خواهد صرفه جویی کند، زن به او می‌گوید: تو با این گدا صفتی مرا بیچاره کردی، آخر او گدا صفت نیست. خوب وقتی روشنایی این اتاق اضافه است، بلند شو و خاموش کن.

قرآن می‌گوید: «وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا» (اسراء/ ۲۹)

زنی بچه‌ای داشت، بچه‌اش را نزد پیغمبر فرستاد و گفت: برو و به پیغمبر بگو، یکی از این پیراهن‌هایی که می‌پوشی برای تبرک برای ما بفرست، می‌خواست پیراهن پیغمبر را داشته باشد. این بچه آمد و گفت: مادرم سلام رسانده و گفته یک لباس به من بده و اگر هم نداری همین لباس را که پوشیده‌ای به ما بده. پیغمبر هم به یک اتاق دیگر رفت و لباسش را در آورد و برای او فرستاد و بی لباس ماند. آیه نازل شد که ما نگفتیم که اینطور ببخش. «وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ» یعنی دستت را به گردنت قفل نکن. این آیه حاوی کنایه‌ای است. در فارسی به بعضی‌ها می‌گویند: دست فلانی به جیبش آشناست. این مثل مربوط به آدم‌هایی است که خیلی پول خرج می‌کنند و به آدم‌هایی را که پول خرج نمی‌کنند می‌گویند که مشتشان بسته است. اصطلاح قرآن این است که دستشان بسته به گردنشان است، یعنی دیگر در جیبشان نمی‌رود. دستت را به گردنت نبند یعنی اینچنین سخت وسفت نباش. از طرفی در ادامه می‌فرماید: «وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ» وقتی در راه خدا می‌بخشی، هر چه داری نبخش، برای این که بعد «فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا» باید بدون پیراهن بنشینی و ملامت شوی. چون بعد منافقین پیغمبر را ملامت کردند. این‌ها آیه‌ی قرآن است.

۳- نتیجه اسراف فقر است

«إِنَّ الْمُبْدِرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ» (اسراء/ ۲۷) اگر شیطان بزرگ آمریکاست، این‌هایی که تذبذیر می‌کنند و ولخرجی می‌کنند «إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ» این‌ها برادران شیطان هستند و در خط آمریکا هستند. چون آمریکا می‌خواهد ما نداشته باشیم. کسی هم ولخرجی می‌کند، از این طریق فقر را در مملکت سبب می‌شود. یعنی آمریکا می‌خواهد فقر وارد ایران شود، مُسرف هم فقر را سبب می‌شود، پس «إِنَّ الْمُبْدِرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ» شیطان علاقه‌ها را مبدل به بغض می‌کند. ولخرج هم علاقه‌ها را مبدل به بغض می‌کند. حالا امام صادق (ع) می‌فرماید: «إِنَّ السَّرْفَ يُورِثُ الْفَقْرَ وَإِنَّ الْقَصْدَ يُورِثُ الْغِنَى» (کافی/ ج ۴/ ص ۵۳) اسراف کاری، آینده‌اش فقر است. کسی که ولخرجی می‌کند، عاقبت به فقر کشیده می‌شود. چقدر افراد خانه‌های شیک ساختند و در آن ماندند و همان خانه را فروختند.

۴- نمونه‌های اسراف از دید روایات

حالا اسراف چیست؟ معنای اسراف و نمونه‌ی اسراف را بگوییم.

قال الصادق (ع): «إِنَّمَا السَّرْفُ أَنْ تَجْعَلَ ثَوْبَ صَوْنِكَ ثَوْبَ بَدْلَتِكَ» (کافی/ ج ۶/ ص ۴۴۱) لباس کار را بزل می‌گویند. اگر با لباس بیرون در خانه کار کنی، اسراف کرده‌ای. مثلاً فرض کنید من یک قبا دارم و این قبا را با دوپست یا سی صد تومان هزینه خریده‌ام. مثلاً اگر در خانه می‌خواهم کاری بکنم، فرضاً شیشه‌ی اتاق را پاک کنم، و یا در آشپزخانه با این

لباس کار کنم، این اسراف است. نمونه اسراف این است که آدم پیراهن بیرون از خانه را در خانه بپوشد. البته این مربوط به مردان است و در مورد زن‌ها در وقت کار، حسابش جداست.

قال الصادق(ع): «أَدْنَى الْأِسْرَافِ هِرَاقَةٌ فَضَلَ الْإِبَاءُ وَابْتَدَأَ ثَوْبَ الصَّوْنِ وَإِلْقَاءَ الثَّوْبِ» (کافی/ج ۶/ص ۴۶۰) نمونه‌های کوچک اسراف این است که آب بیهوده بریزی. چقدر خانه‌ها الان آب ندارد و سازمان آب نمی‌تواند به این‌ها آب برساند، به خاطر این که بعضی‌ها آب زیادی مصرف می‌کنند. اگر می‌خواهی وضو بگیری دو مشت آب کافی است. شیر را باز می‌کند و می‌بینی چند لیتر آب می‌ریزد تا وضو بگیرد. وضو ثواب دارد، اما این آبی که مصرف کردی حرام است. اسراف حرام است. نمونه‌ی کوچک اسراف این است که «وَابْتَدَأَ ثَوْبَ الصَّوْنِ» یعنی لباسی که برای بیرون است و برای حفظ آبرو و مصونیت است و به قول قدیمی‌ها لباس پلوخوری است، در خانه استفاده کنی. و یا با آن لباس مثلاً رختشویی و لباسشویی کنی. و یا اینکه از کفش گرانیقیمت به جای دمپایی استفاده کنی. شما با یک جفت دمپایی که ده تومان یا بیست تومان است، می‌توانی خیلی کارها را انجام بدهی، آن وقت شما با کفش گرانیقیمت همان کارها را می‌کنی؟ بچه هم پای تلویزیون نشسته است. اگر کسی بادام را با دندانش بشکند، گناه است. این‌ها واقعاً گناه است. آن چه به بدن ضرر بزند گناه است. از چیزهای جزئی گرفته تا چیزهای کلی باید مد نظر ما باشد. «وَإِلْقَاءَ الثَّوْبِ» آدم خرما بخورد و هسته‌اش را دور بیندازد اسراف است.

«عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنْ قَوْلِهِ وَ لَا تُبَدِّرُ تَبْدِيرًا قَالَ مَنْ أَنْفَقَ شَيْئًا فِي غَيْرِ طَاعَةِ اللَّهِ فَهُوَ مُبَدِّرٌ وَ مَنْ أَنْفَقَ فِي سَبِيلِ الْخَيْرِ فَهُوَ مُقْتَصِدٌ» (تفسیر عیاشی/ج ۲/ص ۲۸۸) هر کس پولی را در غیر خط خدا بدهد، تبذیر کرده است «وَ مَنْ أَنْفَقَ فِي سَبِيلِ الْخَيْرِ فَهُوَ مُقْتَصِدٌ» و کسی که در راه خدا بدهد، معتدل و مقتصد است. اگر در راه غیر خدا باشد، اسراف و تبذیر است. آن هم که می‌گوید اگر کسی لباس شیک بپوشد و با آن در خانه کار کند، مثلاً با کت و شلواری که برایش گران تمام شده، در خانه و باغچه شخم بزن و با لباس تمیز روی خاک بنشیند، اسراف است. بعضی‌ها می‌گویند: حزب الهی باش، روی خاک بنشین. آقا من پول این کت و شلوار را داده‌ام و فلان قیمت تمام شده است. اصلاً کسی اگر با کت و شلوار گران قیمت روی خاک بنشیند اسراف کرده است، او حزب الهی نیست. آدم باید از چیزی که گران تمام شده است، چند سال استفاده کند.

بچه مدرسه ای‌ها اگر دفترشان هنوز ۵ ورق دارد، دور بیندازند، اسراف است. کتاب‌های درسی را که سال بعد می‌توان استفاده کرد، اگر دور بریزیم، اسراف است. مگر ما در محاصره اقتصادی نیستیم؟ آقا زاده، شما که با ذغال کف خیابان می‌نویسی مرگ بر آمریکا، آمریکا فقر را برای ما می‌خواهد. خوب اگر مرگ بر آمریکا است، آمریکا تو را در محاصره‌ی اقتصادی گذاشته است، کتاب‌ها و کیفیت را پاره نکن. همین کیفی که گوشه‌ی آن پاره شده است، می‌توان کنارش را دوخت، و از آن استفاده کرد.

کسی از روحانیون برای خرید سبزی رفت، گفت: آقا پنج زار سبزی بده. گفت: آقا نمی‌شود. گفت: پس یک تومان

سبزی بده. و او به اندازه یک تومان برای او سبزی کشید. بعد گفت: می‌شود زحمتی برای ما بکشی؟ گفت: باشد. گفت: حالا این سبزی‌ها را نصف کن. نصف که کرد گفت: حالا این قسمت پنج زار می‌شود، دیدی که شد. نمی‌شود یعنی چه؟ شما شاه را بیرون کردید. حالا با کیف امسال، سال دیگر نمی‌شود به مدرسه رفت؟ با کفش کهنه نمی‌شود به عروسی رفت؟ یک پیراهن عروس به فلان قیمت برای چند ساعت خریداری شود، آیا درست است؟ این با محاصره‌ی اقتصادی هم خوانی دارد؟ با مرگ بر آمریکا هم خوانی دارد؟ خیر! بعضی می‌گویند: حالا آدم در عمرش یک بار عروس می‌شود، یک بار هم می‌میرد. من می‌گویم که همان یک بار را هم نباید اسراف کرد. اگر یک بار است، آیا یک بار می‌توان اسراف کرد؟ این مطالب از درون احادیث است و ممکن است با مزاج من و شما سازگار نباشد. در هر صورت اسراف، اسراف است.

در یک عروسی من با چشم خودم دیدم، که فردای آن روز وانت آوردند، چندین هزار تومان دسته گل‌هایی را که آورده بودند، برداشتند و بردند در بیابان ریختند. امروز عصر عروسی بود همه‌ی دوستان دسته‌ی گل آوردند، خانه پر از دسته گل شد، فردای آن روز چند گل‌دان قیمتی و بهتر را نگه داشتند و بقیه را به بیابان ریختند. این اسراف نیست؟ باز می‌ترسم اینرا بگویم و گل فروشان ناراحت شوند.

۵- نکوهش اقتار (کم‌خرج کردن) در روایات

کشورهای همسایه‌ی ما فقیرند، خود ما هم در محاصره‌ی اقتصادی هستیم. ای برادر، اگر دلت به حال مستضعفین می‌سوزد، کم‌تر اسراف کن. البته در این میان بعضی هم زیاد شورش را در می‌آورند. امام فرمود: اگر کسی می‌تواند نان و آب گوشت بخورد، نان و نمک بخورد، آدم بدی است. از امام صادق (ع) پرسیدند: «إِنَّمَا الْأِسْرَافُ فِيمَا أَفْسَدَ الْمَالَ وَ أَضْرَّ بِالْبَدَنِ قُلْتُ فَمَا الْاِقْتَارُ» (کافی/ج ۴/ص ۵۳) اقتار چیست؟ چون قرآن هم گفته است که اسراف نکنید و هم گفته است که اقتار نکنید، اقتار یعنی کم هم خرج نکنید. از امام صادق (ع) پرسیدند: این کم خرجی که خدا می‌گوید چیست؟ امام فرمود: «أَكْلُ الْخُبْزِ وَالْمِلْحِ وَ أَنْتَ تَقْدِرُ عَلَيَّ غَيْرِهِ» این است که می‌توانی نان و آب گوشت بخوری، نان و نمک بخوری. می‌توانی عید برای بچه‌ات لباس بهتر بخری سخت بگیری. گاهی وقت‌ها سخت‌گیری بد است. حالا میانه روی آن چیست؟ امام صادق (ع) فرمود: «الْخُبْزُ وَاللَّحْمُ وَاللَّبَنُ وَالْخَلُّ وَالسَّمْنُ مَرَّةً هَذَا وَ مَرَّةً هَذَا» یک بار نان و آب گوشت، یک بار برنج، و یک بار حاضری. یک بار نان خالی، یک بار نان و سیب زمینی و یک بار نان و عسل. یک بار نان و پنیر و... چون گاهی وقت‌ها مرتب مرفه غذا می‌خورند و این خطرناک است. ما الان یک عده از حزب اللهی‌ها را داریم که زیاد تند می‌روند و متأسفانه اسیر کارهایشان هستیم. که مثلاً فکر می‌کنند که آدم همیشه باید تقیه کند. رفتم در سپاه غذا بخورم. گفتند: آقای قرائتی به خدا غذایمان امروز اینطور است. مثل این که از من می‌ترسیدند. گفتم: آقا طوری نیست، یک روز پلو و مرغ می‌خورید، خوب یک روز هم‌اش می‌خورید. روز دیگر هم چیز دیگر می‌خورید. اصلاً مثل این که از هم می‌ترسند.

ما به شهری رفته بودیم. باغ پرتقالی از آن مردم بود. خواستیم که برویم و آنجا را ببینیم. گفتند: اگر بروی، مردم برمی گردند و می گویند: ایشان به باغ پرتقالی رفته است که از آن مردم است! می خواهیم نگاه کنیم. می گویند: چرا نگاه کردی؟ یک عده هم زیاد از حد آدم خوبی شده اند. اینطور درست نیست. اسلام را به گونه ای معرفی کنید که دنیا عاشق اسلام شود. نباید از اسلام فطریات را گرفت. «مَرَّةً هَذَا وَ مَرَّةً هَذَا» میانه روی بسیار خوب است.

۶- زهد با بخل متفاوت است

یک خاطراتی هم از آنهایی دارم که تندرو هستند. نمی دانم من این خاطره را گفته ام یا نه؟ به یک شهر رفته بودیم. روشن فکران و مکتبی ها و حزب اللهی ها جلسه ای به مناسبتی داشتند. از من هم دعوت کردند، خدمتشان رسیدیم و سفره ای پهن کردند و نان و هندوانه ای آوردند. ما این نان و هندوانه را خوردیم. بعد گفتند: آقای قرائتی ما که نان و هندوانه می خوریم می خواهیم زهد اسلامی را پیاده کنیم. گفتیم: این زهد اسلامی نبود. این بخل اسلامی بود. چون زهد اسلامی یعنی خودت نخور. نه این که به مهمان هم نده. تو مهمان دعوت کرده ای و به او نان و هندوانه می دهی؟ اگر خیلی آدم خوبی هستی، خودت نان خالی بخور. چرا به من نان و هندوانه دادی؟ از چند فرسخی بلند شدم و آمده ام تا نان و هندوانه بخورم؟ البته یک مقدار هم شوخی کردم. زهد اسلامی را با بخل اسلامی قاطی کردند.

زهد یعنی نخور، نه این که به مهمان هم چیزی نده. بچه که به دنیا می آید، اسلام می گوید: به احترامش گوسفندی بکشید و عقیقه بدهید، اما می گوید پدر و مادرش از گوشت عقیقه نخورند. پدر و مادر نخورند اما نمی گوید پدر و مادر ندهند. همین امروز یکی از برادران حزب اللهی می گفت: من داماد شدم. دختر عقد شده دارم. زخم را می خواهم به خانه بیاورم و هیچ کس را دعوت نکنم. گفتیم: اینکه می خواهی هیچ کس را دعوت نکنی، نه قرآنی است و نه حزب اللهی و نه طبق حدیث است. کاری از روی هوس است. مانند کسی که از آن طرف هوس دارد. تو هم از این طرف هوس داری. هر دو هوس است. خیلی باید مواظب باشیم. اسلام دقیق است. من یک حدیث درباره ی دقت اسلام بخوانم. آدم باید مواظب باشد. مانند لاستیک های ماشین که آدم باید مواظب تنظیم بادشان باشد. آدم باید مواظب خودش باشد.

حدیث داریم: اگر کسی گناه کرد و بعد حالی به او دست داد و گریه ای کرد، امام می گوید: دوباره برای این گریه ات، گریه کن. چون این گریه ی اول تو را مغرور کرد. یعنی تو را مست کرد. بین مسائل چقدر دقیق و ظریف است. گاهی می خواهیم زهد اسلامی را پیاده کنیم و بخل اسلامی می شود. گاهی می روند که زهد اسلامی را پیاده کنند و ریاکاری می شود. باید کمی دقت کرد. «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا» (فرقان/ ۶۷)

از سفیان سوری یک داستان داریم که یک روز خدمت امام صادق (ع) آمد و دید امام یک پیراهن سفید پوشیده است. گفت: آقا شما چرا این پیراهن سفید را پوشیده ای؟ آخر زمان پیغمبر که پیراهن سفید به این خوبی نمی پوشیدند. امام فرمود: فرق می کند. زمان پیامبر اصحاب صفا بود و مردم اصلاً پیراهن نداشتند. یک لنگ بسته بودند و کنار مسجد می خوابیدند. آن زمان با زمانی که مردم در رفاهند فرق می کند. زمانی که ان شاء الله محاصره ی اقتصادی نداشته باشیم و

جنگ ما پیروز شده باشد و خانه‌های خرابه بازسازی شده باشد. همه توانمند باشند و آواره‌ها را در شهرها و روستاهایشان مسکن بدهند. این برادران افغانی که دو سه میلیون هستند، بعد از آزادی به کشورشان برگردند، وضعمان خوب شود و خودکفا شویم. بخور، بیوش، راحت باش و... اما وقتی مردم ندارند، تو هم باید وضعت را با اوضاع جامعه تنظیم کنی. امام صادق(ع) پرسید: وضع مردم چطور است؟ غذا و گندم می‌خورند. گفتند: یابن رسول الله وضع مردم خوب نیست. نان در بازار کم پیدا می‌شود. فرمود: پس اگر خوب نیست ما هم گندم نخوریم. نان ما با گندم و جو مخلوط باشد. بعد از چند روز دوباره از وضع مردم پرسید. گفتند: آقا وضع مردم بدتر شد. فرمود: دیگر نباید نان گندم هم بخوریم. فقط نان جو می‌خوریم. آقا وضع مردم بدتر شد، پس ما هم مصرف را کم می‌کنیم. یعنی باید انسان مصرفش را با نیاز جامعه هماهنگ کند، یعنی کاری که امام صادق(ع) کرد. آیه‌هایی را یادداشت کرده‌ام که خدا هر وقت می‌گوید بخورید، چیز دیگری هم می‌گوید. خوردن و در رفتن نیست. هر جا می‌گوید «کلوا» کار دیگری را هم از شما می‌خواهد.

۷- استفاده از حلال خدا و شکرگزاری

«كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَ اشْكُرُوا لِلَّهِ» (بقره/۱۷۲) پس استفاده کنید و شکر کنید. البته شکر یعنی اینکه از نیرویی در خط خدا، به مقداری که خدا گفته است، استفاده کنیم. «لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ» (ابراهیم/۷) اگر شکر کنی، زیاد می‌شود. یک باغبان همین که دید زحمتی که برای درخت کشیده هدر نرفته، بیش‌تر زحمت می‌کشد. «كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَ اشْكُرُوا لِلَّهِ» این جا خوردن باتشکر به هم گره خورده است. آیه‌ی دیگر می‌گوید: «كُلُوا وَ اشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللَّهِ وَ لَا تَعْتُوا» (بقره/۶۰) می‌گوید: بخورید! و یاغی گری نکنید. این جا «كُلُوا» و «وَ لَا تَعْتُوا» با هم گره خورده است. بخورید ولی یاغی گری نکنید. «كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَ لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ» (بقره/۱۶۸) بخورید ولی در خط شیطان گام نگذارید. خطوة یعنی گام، چون شیطان نمی‌آید آدم را مستقیم هل دهد. شیطان قدم به قدم و ذره ذره انسان را گمراه می‌کند. آیه‌ی دیگری می‌گوید: «كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَ لَا تَطْعُوا فِيهِ» (طه/۸۱) آیه زیاد است و من به خاطر کم حوصلگی شما باقی آیات را نمی‌خوانم. «كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَ لَا تَطْعُوا فِيهِ» بخورید اما طغیان نکنید.

«وَ كُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ» (مائده/۸۸) بخورید، تقوا هم داشته باشید. یعنی از هر جا گیر آورید، نخورید. بخورید اما تقوا داشته باشید. «كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَ اعْمَلُوا صَالِحًا» (مومنون/۵۱) من در این قسمت از معجم استفاده کردم. بخورید ولی حق دیگران هم در این غذای شما هست. «كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَ آثُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ» (انعام/۱۴۱) بخورید اما روز برداشت، سهم دیگران را هم بدهید. خوردن‌های قرآن همگی بند دارند. بخورید و قدردانی کنید و شکر فقط الحمدلله رب العالمین نیست، گر چه این هم شکر است و یکی از عیب‌های غذا خوردن هنگام تماشای تلویزیون این است که آدم از بس حواسش به تلویزیون است، نه بسم الله می‌گوید و نه الحمدلله

و نه مزه غذا را می‌فهمد. بخورید و الحمدلله بگویید. این ظاهر شکر است و حقیقتش این است که نیرویی که از غذا گرفتی، در راه رضای خدا صرف کنی. بخورید و یاغی گری نکنید. بخورید و وسوسه‌ها را دنبال نکنید. بخورید و تقوا داشته باشید. بخورید و عمل صالح انجام بدهید. بخورید و به دیگران بخورانید و حق دیگران را هم بدهید. بهترین نمونه و الگوی مصرف، خوردن‌های قرآن در مصرف است. قرآن گفته است بخورید و «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ» (اعراف/۳۲) چه کسی آن حلال‌ها را حرام کرده است؟ حلال خدا را کسی حرام نمی‌کند.

بعد چه بخوریم؟ «حَلَالاً» چیزی که حلال باشد «حَلَالاً طَيِّباً» (بقره/۱۶۸) مکرر در قرآن آمده است. هم در سوره بقره آیه ۱۶۸ و هم در سوره مائده آیه ۸۸ بیان شده است. آن چیزی که می‌خورید حلال و طیب باشد. قرآن از کسانی که ارزش را در پول می‌دانند انتقاد می‌کند. زمانی کسی که مدرکش را از دبیرستان و یا دانشگاه می‌گرفت و بیرون می‌آمد از او می‌پرسیدیم، آقا مدرکت چیست؟ می‌گفت: فلان مدرک را دارم. می‌گفتیم آقا دو تا پست داریم، یک پست داروسازی است، دارو می‌سازیم، حقوقش کم است ولی به نفع مردم است. یک پست هم هست که به مردم صدمه می‌زند. یک شغل داروسازی و معلمی است که مقدس است، یک شغل هم هست که مقدس نیست یا معمولی است و یا حرام است، اما درآمدش زیاد است، می‌بینی همه‌ی تمایل‌ها به آن درآمد زیاد است. و توجهی به «حَلَالاً طَيِّباً» نیست. هم باید حلال و هم طیب باشد. گاهی وقت‌ها حلال است ولی طیب نیست، چون این‌ها با هم فرق دارند. معنای طیب دلپسند است. گاهی وقت‌ها می‌گوییم آقا شما چرا این را به این قیمت فروختی؟ می‌گوید: آقا مال من است و دلم می‌خواهد سود بیشتری بکنم. مگر اسلام گفته است من یک تومان و یازده زار بفروشم؟ مال خودم است. دلم می‌خواهد یک تومان و پانزده زار بفروشم. اگر خیلی مسلمانی و امیرالمؤمنین (ع) و نهج البلاغه را قبول داری، حضرت علی (ع) به استاندارش می‌گوید: در بازار باید نرخ‌ها را کنترل کنی! «وَلْيَكُنِ الْبَيْعُ بَيْعًا سَمَحًا» (نهج البلاغه/نامه ۵۳) داد و ستد باید به نحوی باشد که نه مشتری و نه فروشنده بسوزد. یعنی کنترل نرخ باید به گونه‌ای باشد که نه سود را آن قدر کم کنیم که چیزی نصیب فروشنده نشود و نه آن قدر که مشتری که به بازار می‌رود، بدون هیچ پولی بیرون بیاید. در نهج البلاغه کنترل نرخ هست، اما در این بحث مسئله‌ی حلال و طیب مطرح است. آخر طیب و دلپسند بودن در زمانی که محاصره هستند و آواره دارند و جنگ زده دارند و مشغول بازسازی هستند و از این قبیل مشکلات، ناگوار است. در مملکتی که افراد هزار تومان عیدی خود را به جبهه می‌دهند، بچه قلکش را می‌دهد، دیگری نان خانه‌اش که مورد نیاز است را می‌دهد، فلان روستایی ۲ کیلو مغز بادام خانه‌اش را برای جبهه فرستاده است، آن وقت تو دلت آرام است که از این کار این همه سود می‌بری؟ بنابراین گاهی وقت‌ها ممکن است از نظر فقهی حلال باشد، اما طیب نیست.

۸- مال حرام برکت ندارد

امام کاظم (ع) فرمود: مال حرام رشد نمی‌کند «إِنَّ الْحَرَامَ لَا يَنْمِي وَإِنْ نَمِيَ لَا يُبَارِكُ لَهُ فِيهِ وَ مَا أَنْفَقَهُ لَمْ يُوجَرْ عَلَيْهِ وَ مَا حَلَفَهُ كَانَ زَادَهُ إِلَى النَّارِ» (کافی/ج ۵/ص ۱۲۵) اگر هم رشد کند، برکت ندارد. گاهی مال زیاد است اما برکت ندارد. مال

حرام یا رشد نمی‌کند یا اگر رشد کند، برکت ندارد و اگر با آن مال حج برود و بگوید: «لبیک» خدایا آدمم! خدا می‌گوید: «لا لبیک» آمدنت را قبول نمی‌کنم. قرآن انتقاد می‌کند و می‌گوید: «وَتَأْكُلُونَ الثَّرَاثَ أَكْلًا لَمًّا» (فجر/ ۱۹) شما وقتی ارث به شما می‌رسد، می‌خورید و حساب نمی‌کنید این آقایی که مرد و ارثش به من رسید مالش حلال است یا حرام؟ باید دقت کرد. خلاصه به این مسئله‌ی حلال و حرام کمی عنایت کنید، خانواده‌های شهید باید دقت کنند. شما که شوهرت شهید شده است، اگر طفل صغیر داری و حقوقی برای شوهرت هست، ارثش یا سپاه یا بنیاد شهید و یا اینکه شوهرت مغازه داشته است، مثلاً پنج هزار تومان می‌آورند و به شما می‌دهند، شما حساب کن چند نفر در خانه هستی، حق طفل صغیر را باید کنار بگذاری. اگر حق طفل صغیر سی صد تومان می‌شود و صد و پنجاه تومان خرج او می‌شود، باید ۱۵۰ تومانش را در قلک بیندازی. گاهی وقت‌ها خرج بزرگ‌ها از کوچک‌ها بیش‌تر است و گاهی هم خرج کوچک‌ترها از بزرگ‌ها بیش‌تر است. بچه بهانه بیش‌تری می‌گیرد، مسافرت بیش‌تری می‌خواهد، لباس بیش‌تری می‌خواهد. اما اگر آن کوچک‌تر خرجش کم‌تر است، باید بقیه‌اش را در قلک بیندازد.

شما شوهرت، خونس را برای اسلام داد. تو در خانه نمی‌خواهی اسلام را پیاده کنی؟ به بعضی‌ها می‌گویی، آقا شما حساب سالت را داشته باش و خمست را بده. می‌گوید: ما که خمس نداریم، برو پی کارت. پس انداز داری یا نه؟ هر کس پس انداز دارد، باید خمس بدهد. مگر این که قبل از اتمام یکسال پس اندازش را خرج کند. حالا هر چقدر می‌خواهد، باشد. اگر بیست هزار تومان هم در بانک داشته باشی که یک سال از زمان گذاشتن آن در بانک گذشته باشد، باید از این بیست هزار تومان، چهار هزار تومان خمس بدهی. اگر می‌خواهی پولت حلال باشد و از امام کاظم ع حدیث داریم که اگر دلت نیامد پول حلال را بدهی، اگر خمس مالت را دلت نیامد بدهی، خدا یک صحنه پیش می‌آورد که دو برابر در راه دیگر بدهی، پس گردنی روز قیامت را هم بخوری.

خوردنی باید حلال باشد، طیب باشد. وقتی من می‌خورم، دیگران هم باید بخورند و لذا داریم میوه‌های نوبر را نخرید و اگر بچه‌تان خواست و توانستید و خریدید، به نحوی باشد که بچه‌های دیگران که نمی‌توانند، هوس نکنند. یعنی خواسته‌های آن‌ها شعله ور نشود.

«كُلُوا وَ اشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللَّهِ وَ لَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ» (بقره/ ۶۰) بخورید ولی ستمگری نکنید. الان این صدام حسین ملعون در کشور عراق است. زمین عراق حاصل خیز است، آب دارد، خاک و نیرو هم دارد اما «وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ» به خاطر فساد و جنگی که به راه انداخته است، خسارت و بودجه سنگینی را از دست داده است. اگر بودجه‌ای را که خرج جنگش کرده است و بودجه‌ای را که خرج تجاوز کرده است، خرج جوان‌های عراقی می‌کرد، همه‌ی جوان‌های عراقی دارای خانه و زن و زندگی بودند. همین آیه در عراق پیاده می‌شد «كُلُوا وَ اشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللَّهِ وَ لَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ» بخورید ولی بد مستی نکنید. مسئله مصرف فقط مسئله آب و نان نیست. در مسئله کشورها بودجه‌ای که خرج جنگ‌ها و تسلیحات می‌شود، بودجه‌هایی که خرج دکور می‌شود، بودجه‌هایی که خرج

تجمل می‌شود همگی مشمول این آیه است. به امید روزی که حضرت مهدی(ع) بیاید. اگر جلوی پول‌های اسراف‌ی به مدت یک سال گرفته شود فقر در کره‌ی زمین ریشه کن می‌شود و باید ان شاءالله این آیه‌ها با عمل من و شما زنده شود. قبل از ظهور حضرت مهدی و برای پیاده شدن این آیه‌ها روی کره زمین، تو از همین امشب، برق زیادی را خاموش کن، تلفن بی جا زن، حرف بی خود زن، لباس اضافه مصرف نکن و...

از لامپ و شمع گرفته تا آب ریختن در خانه و غیره. اگر بخواهیم به طور کلی جلوی اسراف را بگیریم باید از جزئی شروع کنیم. از خودت شروع کن که خودسازی، مقدمه‌ی جامعه سازی است. امیدوارم که آیه‌ها و حدیث‌های امشب مقداری در زندگی ما اثر بگذارد. فرض کنید آن قدر با یک غذا گوجه می‌خوریم و بعد می‌گوییم سردمان شد، بعد دو تا خرما هم روی آن می‌خوریم. اول سردش نکن، بعد با خرما گرمش نکن. کاهو می‌خورد، سردش می‌شود، بعد دارچین می‌خورد، گرمش می‌شود. دو مرتبه سرکه می‌خورد، سردش می‌شود، دو مرتبه فرضاً باقلوا می‌خورد، گرمش می‌شود، خب کم‌تر بخور، نه آن را بخور، سردت شود و نه این را بخور که گرمت شود.

امیدوارم زن‌ها هم به شوهرانشان کمک کنند، گاهی شوهر خود دلش می‌خواهد، از بس زن نیش می‌زند، شوهر می‌گوید: اصلاً همه چیز با خودت است. اختیارت با خودت است، هر کار می‌خواهی بکن. امیدوارم مصرف کنترل شود، سال بازسازی است. خانه‌ی خرابه در جنوب زیاد است باید ساخته شود. آواره‌ها و جنگ زده‌ها همه باید تأمین شوند و باید مصرف را کم کنیم تا ان شاءالله بودجه زیاد شود.

«والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته»